

بررسی منابع هدایة المتعلمین فی الطب

یونس کرامتی

مرکز دائرة المعارف بزرگ اسلامی

چکیده:

مقایسه متن کتاب هدایة المتعلمین فی الطب اثر اخوینی بخاری، کهن ترین متن علمی منشور فارسی، با منابع عربی این کتاب، می تواند نکات ارزنده ای را در زمینه شکل گیری فارسی نویسی در سده چهارم قمری و تأثیر زبان عربی بر آن، و بویژه شیوه های ترجمه از عربی به فارسی روشن سازد. در این مقاله، مواضع مشابه هدایة المتعلمین و یکی از مهم ترین منابع آن، یعنی الکناش الصغیر نوشته یوحنا بن سرابیون، مقایسه شده است.

کلید واژه ها: هدایة المتعلمین فی الطب، اخوینی بخاری، الکناش الصغیر، ابن سرابیون، محمد بن زکریای رازی، الحاوی فی الطب، نثر فارسی علمی، ترجمه از عربی به فارسی.

مقدمه

نگارنده در ضمن تحقیقی در احوال و آثار یوحنا بن سرابیون^۱، کوشید تا حد امکان،

۱. یوحنا بن سرابیون (به سریانی: یوحنا بن سرابیون)، مشهور به ابن سرابیون یا ابن سرافیون، از پزشکان بنام نیمه دوم سده ۳ ق. است. در مورد زندگی وی تنها با تکیه بر روایاتی پراکنده که در همان ها نیز تناقض های آشکاری به چشم می خورد می توان نکاتی را روشن کرد. در منابع کهن وی پسر پزشکی از اهالی

میزان بهره‌گیری دانشمندان دوره اسلامی را از آثار او مشخص سازد. و در اثنای این کار ناگزیر شد تمامی بخش‌های باقی مانده *الکناش الصغیر* ابن سربابون را با ده‌ها کتاب عربی و فارسی دیگر، از جمله *الحاوی رازی*، *هدایة المتعلمین* اخوینی بخاری، و *الابنیه عن حقایق الأدویة* ابو منصور موفق هروی، مقایسه کند؛ و در این میان دریافت که *الکناش الصغیر* از مهم‌ترین مآخذ اخوینی بخاری، پس از آثار رازی بوده است؛ و از آنجا بدین نتیجه رسید که مقایسه میان *هدایة المتعلمین* اخوینی و منابع آن می‌تواند نکاتی در خور ذکر در زمینه پیدایش فارسی نویسی و چگونگی ترجمه از عربی به فارسی در سده ۴ ارائه دهد. گفتنی است که کتاب *هدایة المتعلمین* از سوی نگارنده این مقاله با *آلحاوی رازی* نیز مقایسه شده که حاصل این مقایسات به زودی منتشر خواهد شد.

ابوبکر ربیع بن احمد اخوینی بخاری پزشک ایرانی سده ۴ قمری، که نزد ابوالقاسم طاهر بن محمد بن ابراهیم مقانعی رازی، شاگرد ابوبکر محمد بن زکریای رازی دانش

←

باجرمی (در نزدیکی بغداد) و برادر داود بن سربابون، یکی از پزشکان هارون الرشید خوانده شده است؛ اما لوسین لُکِلر (محقق فرانسوی سده ۱۹ میلادی) با ارائه شواهدی ثابت کرده است که فعالیت او پیش از میانه سده سوم قمری نبوده است، در حالی که داود پیش از ۲۱۳ قمری در گذشته است. یوحنا دو اثر بسیار مهم به سریانی تألیف کرده است: نخست *الکناش الکبیر*، در ۱۲ مقاله، که بعدها خود وی آن را به عربی ترجمه کرد و دیگر *الکناش الصغیر* در ۷ مقاله که این یک، دست کم سه بار از سریانی به عربی، دو بار از عربی به عبری و یک بار از عربی به لاتینی ترجمه شده است. ترجمه‌های لاتین و عربی این اثر نیز هر یک دست کم یک بار اصلاح شده‌اند. این پزشک اگر چه امروز از شهرت چندانی بر خوردار نیست اما شهرت وی در میان مسلمانان، به ویژه تا سده هفتم قمری، چندان کمتر از ابن سینا نبود و حتی می‌توان گفت که شهرت (و نه اعتبار) *الکناش الصغیر* وی، نزد اروپائیان سده‌های میانه، در حد شهرت *القانون فی الطب* ابن سینا بوده است. برای نمونه، هر دو کتاب توسط گرادوس کرمونایی (م. ۱۱۸۷)، بزرگترین مترجم اروپایی، از عربی به عبری ترجمه شده و هر دو ترجمه لاتین نیز توسط آندریاس آلباگوس تصحیح شده است. هر دو ترجمه لاتین نیز بارها و بارها در نقاط مختلف اروپا چاپ شده‌اند و حتی چاپ نخست *الکناش الصغیر* چند سالی زودتر از چاپ نخست *القانون* منتشر شده است. اما متن عربی *الکناش الصغیر*، که اکنون قطعات کوتاهی از نیمه نخست آن و از مقاله پنجم به بعد آن (حدوداً نیمی از کل کتاب) باقی مانده، تاکنون به چاپ نرسیده در حالی که متن عربی *القانون*، طی ۶ سده اخیر بارها و بارها در نقاط مختلف جهان به چاپ رسیده است.

آموخته، در زمرهٔ پزشکانی است که نزد مورخان و دستداران زبان و ادب فارسی، از شهرت بسیار برخوردار است. چه تنها اثر شناخته شدهٔ وی، یعنی کتاب *هدایة المتعلمین فی الطب*^۱، یکی از کهن‌ترین آثار منشور به زبان فارسی است.^۲ نگارندهٔ این سطور فراتر رفته، بر آن است که این کتاب کهن‌ترین اثر منشور علمی است که به دست ما رسیده.^۳ ناگفته پیداست که بررسی متن این کتاب از دیدگاه کسانی که در زمینهٔ تاریخ ادبیات فارسی و عربی و ترجمه از عربی به فارسی در ایران به پژوهش می‌پردازد، سخت اهمیت دارد. بی‌تردید برای دستیابی به شیوهٔ مؤلف در نگارش این کتاب، لازم است نخست مآخذ وی را، که عموماً به زبان عربی است، شناسایی و با متن فارسی کتاب مقایسه کرد. آنچه در این مختصر می‌آید اندک کوششی است برای روشن کردن پاره‌ای از این نکات.

متأسفانه اغلب دانشمندان دورهٔ اسلامی، توجه چندانی به ذکر مآخذ خود نداشته‌اند و شخصیت‌هایی چون ابوبکر محمد بن زکریای رازی و ابوریحان بیرونی که همیشه، خود را ملزم به ذکر صاحبان حقیقی آراء می‌دانسته‌اند بسیار اندک‌اند. اخوینی بخاری که خود از پزشکان برجستهٔ مکتب رازی است، در شیوهٔ ارجاع نیز کم و بیش از او پیروی کرده و از مؤلفین آثاری که از آنها بهره برده، یاد کرده است. اما، چنانکه خود نیز تصریح می‌کند، اصل را بر ذکر مآخذ قرار نداده و تنها در مواردی که درستی آراء پیشینیان را

۱. اخوینی چنان که خود در متن کتاب نیز تأکید کرده، تجربیات سی سالهٔ خود را در رشتهٔ پزشکی، در قالب این کتاب برای فرزندش به رشتهٔ تحریر در آورده است.

۲. این کتاب در ۱۳۴۴ شمسی به کوشش جلال متینی با مقدمه‌ای بسیار مفصل و محققانه در مشهد (انتشارات دانشگاه فردوسی) به چاپ رسیده است. اطلاعاتی که در این مقاله دربارهٔ احوال و آثار اخوینی بخاری آمده، بر اساس مطالب همین مقدمه است.

۳. برخی از دانشمندان و پژوهشگران ایرانی و اروپایی دو سدهٔ اخیر، تاریخ تألیف کتاب *الابنیة عن حقایق الأدوية*، نوشتهٔ ابو منصور موفق هروی را ۳۵۰ تا ۳۶۶ قمری و در نتیجه آن را کهن‌تر از *هدایة المتعلمین* دانسته‌اند. حال آنکه برخی دیگر از پژوهشگران شواهدی بر نگارش کتاب *الابنیة* در نیمهٔ نخست سدهٔ پنجم قمری ارائه داده‌اند. نگارندهٔ این سطور، برای نخستین بار با شناسایی و بررسی برخی منابع *الابنیة* به این نتیجه رسیده که این کتاب بدون تردید در اواخر نیمهٔ نخست سدهٔ پنجم قمری تألیف شده است و امید دارد که نتایج تفصیلی این پژوهش را در آینده‌ای نزدیک منتشر سازد.

شخصاً نیاز موده، نام آنان را آورده است. چه وی در اواخر کتاب گفته است: «و لکن من ترا آن چیزها گفتم بدین کتاب کی من آز موده‌ام. مگر آن که چیزی که گویم فلان چنین می‌گوید، آن نیاز موده بوم، این بدان گفتم تا ترا غلط نیفتد» (اخوینی، ۵۸۷)، البته چنان‌که خواهیم گفت اخوینی گاهی نیز فراموش کرده که مأخذ خود را یاد کند.

موردی از بهره‌گیری اخوینی بخاری از آثار ابن سراپیون: شرح بسیاری از داروهای مذکور در هدایة المتعلمین در الکناش الصغیر نیز دیده می‌شود. برخی از این موارد در جدول ۱ مقایسه شده‌اند.

موضوع	هدایة المتعلمین	الکناش الصغیر
۱ - قرص طباشیر	۳۵۱-۳۵۲	آ ۱۰۸
۲ - قرص امبرباریس (زرک ۲ نسخه)	۴۵۹	آ ۱۰۹
۳ - قرص کبر	۴۷۷	آ ۱۱۱
۴ - گوارش حب الآس	۳۹۵	گ ۱۲۹ ب - آ ۱۳۰
۵ - حب سورنجان پسر سراپیون	۵۶۰	گ ۱۰۴ آ
۶ - حبّی برای درد مفاصل	۵۶۱	گ ۱۰۹ ب
۷ - حب منتن خرد و بزرگ	۵۷۵-۵۷۶	گ ۹۲
۸ - حب جا و شیر (جارو شیر)	۵۷۶	گ ۹۲ آب

(جدول ۱)

در تمام موارد ترتیب ذکر محتویات نسخه‌ها در هر دو متن کاملاً یکسان است. اخوینی در مورد چهارم پیش از شرح فواید و ترکیبات گوارش حبّ الآس، نسخه گوارش خوزی را به «کربادین پسر سراپیون»، که درباره آن سخن خواهیم گفت، و رازی ارجاع داده است. نسخه‌های پنجم و ششم نیز در هر دو متن در پی هم آمده‌اند. اما اخوینی فقط نسخه پنجم را به ابن سراپیون نسبت داده است. در مورد هفتم ابن سراپیون برای حبّ منتن خرد، ۲ نسخه ذکر کرده و سپس نسخه حب جاور شیر سلمویه را آورده است. اما اخوینی دومین نسخه حب منتن خرد و نیز نام سلمویه در مورد پنجم را حذف کرده است. اخوینی در ۳ مورد آخری آنکه به ترتیب نسخه دست بزنند، مقدار به کار رفته از

هر داروی مفرد در نسخه‌ها را به ترتیب بر ۴، ۱۰ و ۲ بخش کرده است. مقایسه متن هدایة المتعلمین با نقل قول‌های رازی از الکناش الصغیر نکات مهمتری را روشن می‌سازد. این بخش از الکناش الصغیر امروز مفقود شده و به طور مستقل در دست نیست.

موضوع	هدایة المتعلمین	الحاوی فی الطب
زَبُو	۳۲۴-۳۲۶	۱۱/۴-۱۴ (نیز در ۴/۳۲-۳۵)
طَبِیخِی برای شهوة الطین (میل شدید به خوردن خاک)	۳۷۴	۱۸۶/۵ (نسیز در ۵/۱۹۱)
ضمادی برای زلق الامعا	۴۰۰-۴۰۱	۲۱۲/۶
استسقاء	۴۶۰	۲۰۳/۷ (نیز در ۷/۲۱۳)
استسقاء	۴۶۱	۲۱۴/۷

(جدول ۲)

در مورد دوم اخوینی بی آنکه از ابن سربایون یاد کند نسخه وی را نقل کرده است: «این طبیح بدانکه معده را پاک کند... و نیک شایسته بَوذ آنکسها راکه ... به شرف استسقا بَوَند. صفت: جفت بلوط هشت درم سنگ، صبر شانزده درم سنگ، ... بکوبد و با یک مَن آب بجوشاند تا بنیمه باز آید و سه روز بخورد...». در نتیجه بر اساس دعوی اخوینی می‌توان گفت که این نسخه را آزموده و پذیرفته است. در حالی که در باب استسقاء به وضوح به همین نسخه معترض شده و گفته است: «و پسر سربایون... بیاب شهوت طین یکی طبیح می‌گوید و بوی اندر صبر شانزده درم سنگ، و گوید سه روز بیايد خوردن آن نیز صعب کاریست و ندانم چرا می‌گوید» (ص ۴۵۷). این سخنان افزون بر این که درستی مقایسات جدول ۲ را ثابت می‌کند؛ نشانگر آن است که اخوینی برخی سخنان ابن سربایون را بی آنکه بیازماید، بدون ذکر نام او نقل کرده است. مورد آخر نیز از اهمیت خاصی بر خوردار است. رازی در مبحث استسقاء الحاوی سخن ابن سربایون را چنین نقل کرده است: [ابن سربایون، قال... و لا یلتفت إلى من قال: إن جمیع الاستسقاء یحتاج أن یسخن و یجفف فانی رأیت خلقاً کثیراً تخلصوا من الاستسقاء بالمبردات]. و اخوینی

در هدایة المتعلمین این مطلب را چنین ترجمه کرده است: «و نشنوی حرف آن مردمان که گویند مستسقیان را گرم باید کردن که من بسیار دیدم کی آن را کی استسقاء گرم بود بعلاج سرد کننده بهتر شد». یعنی در این موضوع اخوینی صیغه اول شخص را به هنگام ترجمه حفظ کرده است و در نتیجه خواننده می‌پندارد که اخوینی خود این کار را آزموده است.

اخوینی و رازی در موارد بسیار دیگری نیز مطالب یکسانی را از ابن سراجیون نقل کرده‌اند، اما اخوینی خود به استفاده مستقیم از آثار ابن سراجیون تصریح دارد (اخوینی، ۴۴۷، قیاس کنید با ۳۵۵). گذشته از شیوه اخوینی در حذف نام مأخذ، با توجه به مقایسات انجام شده به نظر می‌رسد وی در نقل سخنان ابن سراجیون به رغم ترجمه آنها به فارسی، بیش از رازی به حفظ ساختار متن اصلی پای بند بوده است. اخوینی به احتمال قوی از *الکناش الکبیر* نیز بهره گرفته است، زیرا برخی از داروهایی را که وی به کراباذین پسر سراجیون ارجاع داده نمی‌توان در *الکناش الصغیر* یافت (اخوینی، ۲۸۶، ۳۶۴). به ویژه در مورد قرص مقل، اخوینی نخست چنین آورده است: «... و در این روزگار بخورد قرص مقل و نسخت وی به کراباذین پسر سراجیون یابد». اما در یکی از مباحث بعدی کتاب درباره همین قرص خطاب به فرزندش گفته است: «گفته بودم کی این قرص به قرابادین پسر سراجیون یابد، آنجا نیافتم! اینجا یاد کردم تا ترا نباید جستن». این نسخه، چنان که اخوینی نیز بر آن تأکید دارد، در *الکناش الصغیر* دیده نمی‌شود و اگر فرض کنیم که اخوینی در مرتبه نخست اشتباه نکرده باشد، باید گفت که وی این دارو را قبلاً در *الکناش الکبیر* دیده است.

در پایان ذکر یک نکته ضروری است که اخوینی بخاری یا عباراتی شبیه به «و نسخت این داروها (یا حبها یا ضمادها یا قرصها) را به کراباذین (یا قراباذین) پسر سراجیون یابد»، گاهی اوقات مطالبی را به کراباذین، یا قراباذین ابن سراجیون ارجاع داده است. رازی نیز در *العاوی* بارها به «قراباذین ابن سراجیون» اشاره کرده است. این موضوع موجب شده که برخی کتابی تحت عنوان قراباذین (= علم ترکیب داروهای ساده) را در زمره آثار ابن سراجیون به شمار آورند (مثلاً سزگین، III/242)؛ اما این مطلب به کتاب مستقلی مربوط نمی‌شوند بلکه منظور رازی و اخوینی در این عبارت، مقالات قراباذین

دو کناش ابن سرایون (مقاله هفتم *الکناش الصغیر* و احتمالاً مقاله دوازدهم *الکناش الکبیر*) بوده است. در این جا برخی از نقلهای اخونی و رازی با مواضعی از مقاله قراباذین *الکناش الصغیر* مقایسه شده است.

موضوع	اخوینی	موضع مشابه در <i>الکناش الصغیر</i>
حب غاریقون	۳۱۵-۳۱۶	ب ۸۸
حب اصطخیقون؛ حب مصطکی و صبر؛ حب افابیه	۳۴۸	به ترتیب در ۱۰۶ آ، ۸۲ آ، و ۸۷
ضماد اکلیل الملک، فلنوروش و صندلین	۳۵۳	۱۷۴
سفوف حب الرمان	۳۹۴	آ ۱۲۳
گوارش خوزی	۳۹۵	آ ۱۳۰
حب اشعیا و حب بهرام	۴۵۵	۱۰۰
اقراص انیسون و اقراص افستین	۷۵۴	ب ۱۰۹ آ ۱۱۰

(جدول ۳)

نمونه‌هایی از الحاوی رازی:

موضوع	الحاوی	موضوع مشابه در <i>الکناش الصغیر</i>
دارویی برای یرقان	۱۷۰/۷	گ ۸۰ ب
سه نسخه برای زحیر و مقص	۱۰۰/۸	به ترتیب در گ ۹۲، ۹۳، ۱۱۹ آ
جوارش (گوارش) کمونی	۷۳/۹	گ ۱۲۶

(جدول ۴)

البته چنانکه پیش از این نیز کم و بیش بدان اشاره شد هم اخوینی و هم رازی مطالبی را از قراباذین نقل کرده‌اند که در *الکناش الصغیر* دیده نمی‌شود و می‌توان فرض کرد که این مطالب احتمالاً از مقاله قراباذین *الکناش الکبیر* نقل شده است.

کتابشناسی

ابن سرایون، *الکناش الصغیر*، ترجمه کهن سریانی به عبری از حسن بن بهلول (بر بهلول)،

نسخه خطي شماره ٩٦٦٨ كتابخانه مركزي دانشگاه تهران.

اخويني بخاري، ابوبكر ربيع بن احمد، هداية المتعلمين في الطب، مشهد، ١٣٧١.
رازي، محمد، الحاوي في الطب، حيدرآباد دكن، ١٣٧٤-١٣٩٠ ق / ١٩٥٥-١٩٧٠.